



آشنائی با مسیحیت؛ مروری بر اعتقادات مسیحیت «بخش نخست»

پدیدآورنده (ها) : حقی، حسن؛ صادقی، مهدی

فقه و اصول :: نشریه مبلغان :: آبان و آذر ۱۳۹۶ - شماره ۲۲۱

صفحات : از ۸۲ تا ۸۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1368056>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- آشنائی با مسیحیت؛ مروری بر اعتقادات مسیحیت «بخش سوم»
- نماز در آیین یهود
- تحلیلی از راز ایمان جابر بن عبدالله انصاری به آیه ۸۵ سوره قصص و مساله رجعت
- استر، شهرزاد کتاب مقدس
- تأثیر شرایط اقلیمی عربستان بر وضعیت اقتصادی مکه و مدینه پیش از ظهور اسلام
- بررسی تطبیقی قضا و قدر در علم کلام، فلسفه مشاء و حکمت متعالیه
- سیره حضرت زهرا علیها السلام در تربیت فرزند
- «وحی» در اسلام، مسیحیت و یهودیت
- بررسی برخی رفتارهای حاکم بر جزیره‌ی العرب پیش از اسلام
- رسالت مادری از منظر آموزه های دینی
- آشنایی با مسیحیت «تاریخچه مسیحیت»
- آشنایی با مسیحیت «تاریخچه‌ی مسیحیت؛ بخش دوم»

عناوین مشابه

- آشنائی با مسیحیت؛ مروری بر اعتقادات مسیحیت «بخش سوم»
- آشنائی با مسیحیت؛ مروری بر اعتقادات مسیحیت «بخش دوم»
- مروری بر فرقه ها و آیینهای مهم مسیحیت؛ آشنایی با مسیحیت «بخش اول»
- در جست و جوی نسخ خطی: همراه با دستنوشته ها صفحاتی از خاطرات درباره کتابها و مردم (بخش نخست)
- مروری بر مهمترین روش‌های تامین مالی طرح‌های حمل‌ونقل با تاکید بر مشارکت بخش خصوصی
- آشنایی با مسیحیت؛ آشنایی اجمالی با کتاب مقدس مسیحیان «بخش اول»
- تغییرات حسابداری و اصول فرابودجه در بخش عمومی: مروری بر مفاهیم و ادبیات با تاکید بر ایزومورفیسم نهادی
- گزارش شکست یک پیروزی! بخش نخست: مصاحبه ی مسعود دلخواه با پرفسور آندره آس پوپه درباره ی «تئاتر پداگوژی»
- ... و تئاتر تعطیل شد؛ گفت و گو با استاد سعید ساحلی (بخش نخست)
- تحلیل مردم شناختی جلوه های فرهنگ عامه در منظومه نخست حیدربابایه سلام در مقایسه با بخش دوم آن



اشاره:

در شماره‌های گذشته (مبلغان ۲۱۱ و ۲۱۲)، به موضوع آشنایی با مسیحیت اشاره شد و تاریخچه مسیحیت در دوره‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. در این شماره اعتقادات مسیحیت را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

صحبت از اعتقادات در مسیحیت، صحبت از باورهایی است که از ابتدا در تعالیم حضرت عیسی علیه السلام نبوده، بعدها طی قرون مختلف، به واسطه تصمیم‌گیری بزرگان مذهبی مسیحیت، وارد این دین شده است. لذا توجه به این مهم و به خاطر داشتن تاریخ شروع این اعتقادات، به جوینده حقیقت کمک می‌کند تا درکی صحیح از آنچه به عنوان «عقاید مسیحیت» بیان می‌شود، داشته باشد. در ادامه به صورت خلاصه، مروری بر

مهم‌ترین اعتقادات اساسی و بنیادی

مشترک بین گروه‌های مسیحی خواهیم داشت.^۱

خدا

شناخت خدا در هر دینی، نشان از نوع تفکر و الهیات آن دین دارد. پس به سراغ توصیف خدا و معرفی پروردگار در نظر اندیشمندان مسیحی می‌رویم تا مشخص شود خدایی که مدنظر آنان است، چگونه خدایی است؟ در «اعتقادنامه نیقیه» که یکی از مهم‌ترین اعتقادنامه‌های مسیحیت است، آمده: «من به خدای پدر، خدای قادر مطلق ایمان دارم.» بنابراین، ایمان به «خدای قادر مطلق» مؤلفه اساسی ایمان مسیحی سستی است. تعریف متعارف از قادر مطلق بودن خدا در مسیحیت چنین است: «خدا باید بتواند هر کاری را انجام

۱. از آنجا که بین سه فرقه مسیحی کاتولیک، پروتستان و ارتدکس اختلافات اعتقادی وجود دارد، در این مجال تنها اشاره به مشترکات آنها خواهیم داشت.

دهد که مشتمل بر تناقض آشکار نباشد.^۱ صحبت از تعریف خدای متعال، صحبت از مبانی عقلی است؛ اما باید دید که آیا همین مبانی عقلی در مبانی نقلی مسیحی نیز رعایت شده است یا خیر؟ و مسیحیت چگونه ایمان به خدای واحد را با تثلیث جمع نموده است؟

تثلیث^۲

تثلیث یکی از اعتقادات مهم مسیحیت است که اساس مسیحیت کنونی و یا به تعبیر دیگر «مسیحیت بعد از مسیح»، و راز نخستین در اعتقادات مسیحیت شمرده می‌شود. مسیحیان به نام «پدر، پسر، روح القدس»^۳ غسل تعمید داده می‌شوند و ایمان مسیحیان مبتنی بر تثلیث است.^۴

فهم و درک این راز و جمع کردن آن با توحید، یکی از مشکل‌ترین کارها در مباحث ادراکی برای هر مسیحی است و شاید به همین دلیل نام آن را «راز»^۵ گذاشته و فهم آن را فراتر از درک و فهم می‌دانند؛ چراکه به اعتقاد ایشان «عقل انسانها هرگز قادر به درک آن نیست. تعالیم کلیسای کاتولیک به صراحت بیان می‌دارد که ایمان فراتر از عقل است».^۶

معنای تثلیث

در قاموس کلیسای مسیحی آکسفورد،

۱. درآمدی بر الهیات مسیحی، آلیستر مک گرث، کتاب روشن، تهران، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۱۸.

2. Trinity.

۳. براساس کلامی از کتاب مقدس که در متی ۱۹/۲۸ آمده است.

4. St. Caesarius of Arles, Sermo 9, Exp. Symb.:CCL 103,47.

۵. درآمدی بر الهیات مسیحی، ص ۴۶۹.

6. Catechism of Catholic Church P 159.

در معنای تثلیث آمده است: «تثلیث؛ یعنی یک خدا و یک جوهر در سه شخصیت: پدر، پسر و روح القدس».^۷ اما آموزه تثلیث مرکب از چهار قسمت اصلی است:

(الف) سه شخص (اقنوم) هستند که الوهیت دارند: بنابر آموزه تثلیث، خدا در سه شخص یا به زبان یونانی: سه hypostases وجود دارد.^۸ نه به این معنا که هر کدام قسمتی از الوهیت را دارا هستند؛ بلکه هر کدام به تنهایی و به نحو کامل، خدا هستند؛ (ب) هر شخص با دیگری تمایز دارد: یعنی پدر، پسر نیست (تمایز پدر از پسر). پدر، روح القدس نیست (تمایز پدر از روح القدس) و پسر، روح القدس نیست (تمایز پسر از روح القدس)؛

(ج) بین شخصیتهای تثلیث تساوی وجود دارد؛^۹ یعنی این سه شخص از هر جهت با هم مساوی هستند؛

(د) فقط یک خدای واحد حقیقی وجود دارد: برخی فکر می‌کنند مسیحیان به سه خدا اعتقاد دارند؛ اما مسیحیان می‌گویند: ما فقط یک خدای واحد حقیقی را می‌پرستیم. کلام خود مسیحیان درباره تثلیث چنین است: تثلیث، واحد است. ما به سه خدا اقرار نمی‌کنیم؛ بلکه به یک خدا در سه شخص؛ یعنی به تثلیث هم‌جوهر اقرار می‌کنیم.^{۱۰}

7. "Trinity", in The Oxford Dictionary of the Christian Church.

8. Wayne A. Grudem, Systematic theology, p.226.

۹. تثلیث در قرآن و عهدین، محمد کاشانی، دلیل ما، قم، ۱۳۹۲ش، صص ۳۲-۳۴.

10. Catechism of Catholic Church P 253.

تثلیث از چه زمانی و توسط چه کسی مطرح شد؟ آیا حضرت عیسی علیه السلام آن را بیان کرده و در کتاب مقدس به آن تصریح شده یا اینکه این اعتقاد در طول یک فرایند تاریخی شکل گرفته است؟

اندیشه تثلیث یک بدعت و نوآوری مسیحی نیست؛ بلکه پیشینه سه گانه پرستی در اقوام و ملل مشرک وجود داشته است. قرآن مجید به این پیشینه اشاره کرده است.^۱ مصریان قدیم به اسطوره خدایان سه گانه: «اوزیریس»، «ایزیس» و «هوروس» اعتقاد داشتند. آنان می گفتند: اوزیریس (خدای کشاورزی) با خواهرش ایزیس (الهه مادر) ازدواج کرد و از ایشان فرزندی به نام هوروس (خدای آفتاب) به دنیا آمد.^۲ و یا خدایان سه گانه هندوها شامل: برهمن (ایزد آفرینش)، ویشنو (خدای محافظ) و شیوا (خدای هلاکت).^۳

نشانه‌ای از اینکه مسیحیان اولیه به تثلیث - به صورتی که در اعتقادنامه‌ها آمده است - معتقد بوده‌اند، وجود ندارد. ایونیها که از اولین گروه‌های مسیحی بودند، عیسی علیه السلام را یک انسان معمولی که پسر مریم است، می دانستند.^۴ در سده‌های اولیه

۱. توبه / ۳۰.

۲. شناخت کلیسای کاتولیک، جواد باغبانی، عباس رسول‌زاده، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۹ش، ص ۴۹۲.

۳. تثلیث در قرآن و عهدین، ص ۷۸.

۴. درس‌نامه الهیات مسیحی، آلیستر مک گراث، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۹۲ش، ص ۵۴۰.

مسیحیت، آباء کلیسا، رهبران و معلمان دینی به شمار می رفتند و نوشته‌های آنان در اندیشه مسیحی از جایگاه مهمی برخوردار بود.^۵

ژوستین شهید (۲۱۵م)^۶ عیسای ماقبل بشری را فرشته مخلوق خدا می دانست که از خدای آفریننده همه چیز متمایز بود. او معتقد بود که عیسی علیه السلام پایین تر از خدا بود و هرگز کاری به جز آنچه آفریدگار برای او اراده کرده، انجام نمی داد و چیزی غیر از آن را بیان نمی کرد.^۷ همچنین، مشاهیری نظیر: کلمنت اسکندران،^۸ آلون کمسن و... بر بشر بودن عیسی مسیح علیه السلام تأکید داشته‌اند.

عقیده تثلیث از قرن چهارم به بعد وارد مسیحیت شد.^۹ در سال ۳۱۳م کنستانتین، امپراتور روم، مسیحیان را تحت حمایت خود درآورد. در سایه این حمایت، الهی دانان مسیحی وارد مباحث و جدالهای الهیاتی شدند. از جمله میان آریوس، اسقف لیبی و الکساندر، اسقف اسکندریه در مورد الوهیت مسیح نزاع شدیدی درگرفت. آریوس، به بشری بودن عیسی علیه السلام تأکید داشت و الکساندر به اتفاق شاگردش آتاناسیوس، عیسی علیه السلام را خدا می دانست. امپراتور کنستانتین که وجود نزاعهایی از این دست را موجب تزلزل حکومت خود می دانست، مصمم شد تا برای حل این مشکل شورایی

۵. تثلیث در قرآن و عهدین، ص ۹۱.

6. Justin Martyr.

7. Should You Believe in the Trinity? Watch Tower, Publication.

8. Clement of Alexandria.

9. The Encyclopedia Americana (1956), Vol. XXVII, p. 294L.

را در شهر نیکیه (به سال ۳۲۵م) برپا کند. او خود، با اینکه در آن زمان مسیحی نبود، ریاست شورا را بر عهده گرفت و در نهایت الوهیت عیسی علیه السلام را تصویب کرد.

دائرةالمعارف بریتانیکا می نویسد: «...کنستانتین... اصل حساس اعتقادنامه و اینکه مسیح با خدای پدر هم ذات است را پیشنهاد کرد و همه اسقفان، به جز دو نفر از روی ترس و برخلاف میل، آن را امضا کردند.»^۱ در نهایت، شورای کلیسای جهانی نیکیه اذعان کرد: «پسر هم ذات با پدر است؛ یعنی او با پدر، خدای واحد است.»^۲

در دومین شورای کلیسای جهانی که در سال ۳۸۱م در قسطنطنیه تشکیل شد، در تدوین اعتقادنامه نیکیه، به «پسر یگانه مولود خدا، مولود ازلی پدر، نور از نور، خدای حقیقی از خدای حقیقی، مولود نه مخلوق و هم ذات با پدر» اقرار شد^۳ و همچنین اقرار شد که: «ما به روح القدس، خداوند و حیات بخش که از پدر ناشی می شود نیز ایمان داریم.»^۴

بعد از رسمی شدن این اعتقاد در کلیسا، هر کس با آن مخالفت می کرد، به مجازاتهای بسیار سنگینی محکوم می شد. به عنوان مثال در قرن شانزدهم، مایکل سروتس،^۵ فیزیکدان و پزشک حاذق، با مطالعه دقیق کتاب مقدس، متوجه شد که

تثلیث در کتاب مقدس وجود نداشته و از بدعتهای کلیساست. بنابراین، کتابی به نام «درباره خطاهای تثلیث»^۶ منتشر کرد؛ اما اندکی نگذشت که او را دستگیر کرده و در سال ۱۵۵۳م زنده در آتش سوزاندند.^۷

تثلیث در کتاب مقدس

دائرةالمعارف الیاده، ذیل مدخل تثلیث می نویسد: «... یافتن آیه ای برای اثبات تثلیث در کتاب مقدس، به چالشی جدی برای کلیسا تبدیل شده است. مورخان عموماً توافق نظر دارند که کتاب مقدس هیچ کجا آشکارا تثلیث را بیان نکرده است.»^۸

مسیحیان سعی کرده اند جهت اثبات تثلیث به آیاتی در کتاب مقدس استناد کنند؛ اما این آیات هیچ صراحتی در بیان تثلیث ندارند و بر آنها خدشه وارد شده است. به عنوان نمونه در «عهد عتیق» به واژه الوهیم استناد می کنند. مسیحیان می گویند: نام خداوند در کتاب مقدس در برخی موارد به صورت جمع و با لفظ «الوهیم» آورده شده است. لذا نتیجه می گیرند که حتماً خدا بیش از یکی است که با ضمیر جمع «الوهیم» از او نام برده شده است؛ اما این استدلال اکنون میان پژوهشگران هوادار چندانی ندارد؛ چراکه این نوع جمع، به نظر دستورنویسان جهت احترام به کار رفته است. همانند واژه «اِؤنیم» به معنای آقایان که از این واژه گاه برای اشاره به یک نفر نیز استفاده شده است.

1 Encyclopeddia Britannical Constantine .
2 The English phrases "of being" and "one inbeing" translate the Greek word homoousios, which was rendered in Latin by consubstantialis.
3 Niceno-Constantinopolitan Creed; cf. DS 150.
4 Catechism of Catholic Church P 242.P 244.
5 Michael Servetus .

6 Detrinitatis erroribus .
7 T.mcnell, jonh - The History & Character of Calvinism, p. 176.
8 Mircea Eliade, the Encyclopedia of religion, vol 15, Trinity p.53-57 .v

مانند: پیدایش ۲۴: ۹ و ۱۰ و ۵۱ خطاب به ابراهیم؛ پیدایش ۴۲: ۳۰ و ۳۳ و ۴۴ خطاب به یوسف.^۱

همچنین مشخص کننده کمال نیروی الهی؛ یعنی مجموع قدرتهای ارائه شده توسط خداست. غیر از آن که همین واژه در کتاب مقدس به معنای مفرد نیز بسیار به کار رفته و منظور از آن، اشاره به بُت است. مانند بت بعل: اول پادشاهان ۱۸: ۲۵.

همچنین، این ضمیر به عنوان جمع تأکیدی یا احترام نیز در کتاب مقدس کاربرد داشته است. یکی دیگر از مستندهای مسیحیان در کتاب مقدس عبارت «به نام پدر، پسر، روح القدس» در عهد جدید است. یکی از آخرین سفارشهای عیسی مسیح (علیه السلام) به شاگردانش این بود که بروید و تمام امتها را شاگرد نمایید و به آنها به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید کنید (متی ۲۸/ ۱۹).

همچنین در دوم قرنیتان ۱۳: ۱۴ آمده است که: «فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شوکت روح القدس با جمیع شما باد. آمین!» مسیحیان به این آیات استناد کرده و می گویند: از آنجا که در این دو آیه، سه اسم پدر، پسر و روح القدس در کنار هم ذکر شده است، می توان تثلیث را ثابت کرد. آتاناسیوس چنین استدلال می کرد: این سه اسم در کنار هم آمده اند، پس هر سه اینها خدا هستند؛ چراکه در آیه اول «به نام» آمده است و نگفته: «به نامهای»؛ استفاده از ضمیر مفرد دال بر یکی بودن آنهاست.

در جواب این استدلال بی اساس باید گفت: صرف اینکه سه واژه به دنبال یکدیگر ذکر گردند، نمی تواند دلیلی بر هم ذات بودن آنها باشد؛ چراکه ما نیز گاهی در مکالمات خود به همین صورت سخن می گوئیم: اسم پرویز، آرش و مهرداد زیبا هستند. هیچ گاه از این جمله فهمیده نمی شود که این سه یک ذات هستند.^۲ علاوه بر این، در کتاب مقدس آیات بسیار زیادی وجود دارد که خلاف نظریه تثلیث است تا جایی که خود عیسی مسیح (علیه السلام)، اقرار و اذعان دارد که خدا نبوده و تنها مخلوق و فرستاده خدا می باشد.

مانند: اول قرنیتان ۸: ۶: «ما را تنها یک خداست؛ یعنی پدر»، اعمال رسولان ۲: ۲۲: «پطرس جانشین عیسی مسیح (علیه السلام) خطاب به یهودیان می گوید: تمامی معجزات مسیح منشأ خدایی دارد، از خودش نیست.» مرقس ۱۳: ۳۲ که در آن عیسی مسیح (علیه السلام) نسبت به بعضی از مسائل اظهار بی اطلاعی می کند و می گوید که فقط خدا از آن اطلاع دارد: «ولی آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کسی اطلاع ندارد؛ نه فرشتگان در آسمان و نه پسر.» تثنیه ۶: ۴: اسرائیل! بشنو، یهوه خدای واحد است.» و انجیل یوحنا ۱۷: ۳: «و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح (علیه السلام) را که فرستادی، بشناسند.»

اشکالات عقلی بر تثلیث

یکی از چالشهای بزرگ آموزه تثلیث، تعارض آن با عقل است. علی رغم اینکه

۱. تثلیث در قرآن و عهدین، ص ۱۱۳.

۲. تثلیث در قرآن و عهدین، ص ۱۱۵.

کلیسا تلاش می‌کند تقریری عقلایی از این آموزه ارائه دهد؛ اما عدم مطابقت آن با موازین عقلی روشن است.^۱ پاسخ مسیحیان به تمامی این تناقضات، تنها یک عبارت است: «عقل انسانها هرگز قادر به درک حقیقت نبوده^۲ و تثلیث را جز با ایمان پایدار و حقیقی به مسیح نمی‌توان فهمید.» وقتی آگوستین تلاشش برای فهم این آموزه ره به جایی نمی‌برد، می‌گوید: «ایمان می‌آورم تا بفهمم.»^۳ البته تنها چیزی که انسان بعد از ایمان می‌فهمد، این است که تثلیث، رازی سر به مهر است.

اما پیش از ورود به اشکالات عقلی تثلیث، باید گفت که گزاره‌های عقلی به طور کلی دو قسم هستند:

الف) گزاره‌هایی که عقل قادر به درک آن است: این گزاره‌ها دارای دو نوع «مطابق خرد» و «ضد خرد» هستند. گزاره‌های مطابق خرد، به گزاره‌هایی گفته می‌شود که با خرد و اصول منطقی آدمی قابل پذیرش اند، مانند: $2+2=4$. گزاره‌های ضد خرد نیز گزاره‌هایی هستند که با خرد آدمی و اصول مورد قبول عقل، نادرست بوده، قابل پذیرش نیستند. مانند محال بودن اجتماع نقیضین و اجتماع ضدین و ...

ب) گزاره‌های فراتر از درک عقل: عقل درباره این گزاره‌ها نمی‌تواند حکم به جواز و یا عدم آن کند؛ زیرا هیچ‌گونه درکی از آنها

ندارد تا بتواند نسبت به آنها موضعی داشته باشد. مثل ایمان به وجود فرشتگان در جهان هستی که بدون خبر از طریق وحی، عقل هیچ‌گونه اطلاعی از آنها نداشت؛ چراکه اساساً از درک حقیقت وجود آنها عاجز است.^۴

وقتی مسیحیان با اشکالهای عقلی وارد بر تثلیث روبرو می‌شوند، آن را رازی فراتر از خرد انسانی می‌دانند، در حالی که تثلیث، مسئله‌ای فراتر از عقل نیست؛ بلکه ناسازگار با خرد است؛^۵ اما چرا تثلیث و عقل با هم ناسازگارند و چرا منطق از پذیرش تثلیث ابا می‌کند؟

۱. استحالة وجود دو موجود نامحدود:

ممکن نیست که در آن واحد دو موجود نامحدود وجود داشته باشند؛ زیرا وجود دو خدای نامحدود؛ یعنی محدود بودن هر دوی آنها و این؛ یعنی اجتماع نقیضین که محال است.

۲. استحالة حلول خدای نامحدود در جسم محدود (عیسی مسیح علیه السلام) و خدای ناقص:

خداوند قادر مطلق است که در تعاریف عقلی اعتقادات مسیحی به آن اشاره شد؛ اما این قدرت، شامل اموری که ذاتاً محال‌اند، نمی‌شود، مثل اینکه خدا سنگی را بیافریند که نتواند آن را بلند کند. این موارد تناقض درونی داشته و منطقاً محال‌اند.^۶

۴. تثلیث در قرآن و عهدین، ص ۲۰۴.

۵. مسیحیت شناسی تحلیلی، محمد کاشانی، ذکری، قم، ۱۳۹۵ش، ص ۴۳۸.

۶. عقل و اعتقاد دینی، مایکل پیترسون و دیگران، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش، ص ۱۲۷.

۱. همان، ص ۲۰۱.

۲. راز تثلیث، استوارت الیوت، ص ۷۲.

۳. اعترافات، اورلیوس آگوستین، ترجمه سایه میثمی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، ۱۳۸۷ش، ص ۴۷.

یکی از امور غیرممکن، حلول موجودی نامحدود در موجودی محدود است؛ چراکه این یعنی جمع ضدین؛ هم نامحدود باشد و بسیط و هم محدود باشد و مرکب. همچنین اثبات محدودیت برای خدا نیز موجب ایجاد نقص و کاستی در خدای قادر مطلق می‌گردد که این نیز با مطلق بودن قدرت او در تناقض است.

۳. خدایی که هستی‌اش از خودش نباشد (عیسی مسیح ﷺ):

از بدیهیات است که خدا حیاتش را از ذات خود گرفته است، وگرنه خدای قادر مطلق، باید محتاج غیر باشد و این اجتماع نقیضین است. از یک طرف عیسی مسیح ﷺ اعتراف می‌کند که حیاتش را از پدر گرفته است: «زیرا همچنان که پدر در خود حیات دارد، پسر را نیز عطا کرده است که خود حیات داشته باشد». یوحنا ۵: ۳۶.

از طرف دیگر، ادعا می‌شود که عیسی ﷺ الوهیت ذاتی دارد. اگر حیات پسر (عیسی) را پدر (خداوند متعال) اعطا کرده باشد و وجودش محتاج پدر باشد، پس چگونه عیسی الوهیتش درونی و ذاتی است؟

۴. تبدیل واجب‌الوجود به ممکن‌الوجود:

در منطق می‌خوانیم: واجب‌الوجوب نمی‌تواند ممکن‌الوجود بشود و بالعکس؛ اما در تثلیث می‌خوانیم: کلمه (پسر) تبدیل به جسم شد. لازمه این مطلب این است که واجب‌الوجود ذاتی، به ممکن‌الوجوب ذاتی تبدیل شود؛ که استحاله آن بدیهی است.^۱

تثلیث در قرآن کریم

قرآن کریم از برخی عقاید باطل مسیحیان یاد می‌کند و ایشان را به سبب آن عقاید مورد نکوهش قرار می‌دهد:

(الف) مسیح پسر خداست؛^۲

(ب) خدا همان مسیح پسر مریم است؛^۳

(ج) خدا یکی از سه تاست.^۴

مسیحیان این سه مورد را کاملاً قبول

دارند و بر آنها اصرار می‌ورزند،^۵ در حالی که بسیاری از آیات قرآن کریم بیانگر توحید و یگانگی خدای متعال است و هماهنگی نظام آفرینش و یکپارچگی جهان را برهانی بر توحید و یگانگی خدا می‌داند^۶ و مسیحیان را به سبب اعتقاد به تثلیث و الوهیت مسیح ﷺ گمراه می‌شمرد.^۷

در آیات متعددی خداوند نسبت به مسیحیان و اعتقادات آنان تذکر می‌دهد و عقیده تثلیث آنان را نکوهش می‌کند.^۸ این تذکر نیز لازم است که قرآن کریم سه بار حضرت عیسی مسیح ﷺ را «کلمه» خدا یا «کلمه‌ای از خدا» می‌خواند (آل عمران / ۳۹ و ۴۵؛ نساء / ۱۷۱)؛ اما در قرآن کریم «کلمات» به معنای مخلوقات به کار رفته است (کهف / ۱۰۹ و لقمان / ۲۷).^۹

ادامه دارد...

۲. توبه / ۳۰.

۳. مائده / ۱۷ و ۷۲.

۴. مائده / ۷۳.

۵. شناخت مسیحیت، ص ۵۱۹.

۶. انبیاء / ۲۲، مؤمنون / ۹۱.

۷. شناخت مسیحیت، ص ۵۲۰.

۸. نساء / ۱۷۱، مائده / ۱۷ و ۷۲ و ۷۳، توبه / ۳۰.

۹. شناخت مسیحیت، ص ۵۲۰. پاورقی.

۱. تثلیث در قرآن و عهدین، ص ۲۱۴.